

# غروب باید بادنیای اسلام

## کنار بیاید

«جیمز میچنر» (۱) استاد سابق تاریخ در دانشگاههای «هاروارد» و «کلورادو» نویسنده‌ای که برنده جایزه «پولتیزر» ۱۹۴۷ بود و کتابهای متعددی به پنج‌زبان زنده دنیا ترجمه شده و دردها میلیون نسخه بفروش رفته، مقاله‌ای زیر عنوان «مسلمان بودن یعنی چه؟» نوشته که عنوان آن در تاریخ ژوئن ۱۹۷۵ روی جلد مجله «ریدرز دایجست» یکی از پرتیراژترین نشریات جهان چاپ شده است چون عنوان مقاله غیر از نتیجه‌گیری نهائی است که نویسنده کرده است ترجمه آن زیر عنوان «غروب باید بادنیای اسلام کنار بیاید» که در حقیقت هدف اصلی نویسنده از مقاله است ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد:

### داوری نادرست

یکی از عجیب‌ترین حقایق دنیای امروز این است که اسلام دینی که از چند جهت به مسیحیت و یهودیت شباهت دارد، آن‌طور که باید و شاید شناخته نشده است از آنجا که ۷۵۰ میلیون مسلمان، اکثر نقاط سوق‌الجیشی جهان را در اختیار دارند لازم

است که آنان را بهتر بشناسیم. ابتدا به بینیم پیش از این بر هر مسلمان تازه واردی که پایه‌قاره آمریکا می‌گذاشت، چه می‌گذشت، بی‌ایند اهانت‌هایی را که به‌طور ناخودآگاه بر او تحمیل می‌شد بشماریم. يك قطعه موزائیک کاری شده از يك کلیسای راه‌آهنشان می‌دادیم که هان خوب نگاه کن، البته ما مسیحیان

پیشنهادها پذیرفت و تا این زن زنده بود تنها همسر محبوب حضرت محمد (ص) بود این «مرد صحرا» در سن چهل سالگی برای خود زندگی رضایت بخشی داشت. همسری دوست داشتی، بچه‌هایی زیبا و ثروتی سرشار داشت. مسلمانان معتقدند که او در سن چهل - سالگی در یک چنین دورانی پیام خداوند را توسط جبرئیل امین دریافت نمود. در حالی که او هم مانند پیغمبران گذشته در آغاز وحی نگران یافتن چنین رسالت عظیمی بود، جبرئیل به او فرمان داد: «بخوان» و تا آنجا که ما می‌دانیم حضرت محمد (ص) خواندن و نوشتن نمی‌دانست اما بزودی شروع کرد به دیکته نمودن کلماتی نظیر «لا اله الا الله» که از طریق وحی دریافت نموده بود کرد. کلماتی که به وسیله آن قسمت اعظم جهان را منقلب نمود.

این رسالت، اعراب ثروتمند و متنفذی را که به بنها اعتقاد داشتند به خشم آورد و پاکینه خود، او و پیروان معدودش را از مکه زادگاهشان بیرون راندند اکنون او دیگر مجبور شده بود که در دفاع از آزاد، آئینی که تبلیغ می‌نمود، بجهنگد و مکرر به جنگ‌هایی مبادرت می‌نمود که گاهی یک نفر مسلمان در مقابل پنج نفر قرار می‌گرفت و پیروزیهای چشمگیری به دست می‌آورد.

حضرت محمد (ص) بعد از آن رهبر جامعه اسلامی شد و دانش و اراده‌ای را که در موارد پیچیده مختلفی از خود نشان داد سنتی شد که قوانین اسلام امروز بر پایه آن سنت‌ها بنا شده. او به نیروی شخصیت فوق‌العاده‌اش زندگی را در عربستان و سراسر خاور میانه دگرگون کرد. وی دینی را تبلیغ نمود که تنها خدای یکتا

پیغمبر ترا هم قابل احترام می‌دانیم، بعد در جایی که حضرت مسیح، حضرت موسی و بودا را با قیافه‌های آسمانی و نورانی ترسیم نموده بودیم تصویر حضرت محمد را هم در حالی کشیده بودیم که شمشیری بدست داشت که از یک طرف مرگ می‌آفرید و از طرف دیگر انقلاب... بعد از آن به مسلمان تازه وارد فیلمی نشان داده می‌شد که در آن جنگجویان مقدس و شجاع صلیبی با مسلمانان ترسو و ناجوانمردا بر سر اشغال سرزمینهای قدس در جنگ و ستیز بودند و در این فیلمها صلیبیان با قیافه‌های تحصیل کرده، شریف و حساس و مردانه نشان داده می‌شدند، و مسلمانان با قیافه‌هایی بی‌سواد و وحشی! مسلمان تازه وارد در مباحثات می‌شنید که دین او را دین شهوت پرستی و خوش گذرانی معرفی می‌کردند. از همه اینها ناراحت کننده‌تر این بود که هر جا می‌رفت او را «محمدی» می‌گفتند و دینش را محمدیسم، و این دو، نامناسب‌ترین کلماتی است که می‌توان در توصیف اسلام بکار برد، اکنون به بینیم چرا یک چنین توصیفی (محمدی) برای یک نفر معتقد به اسلام دردناک است؟

### ندای آسمانی

حضرت محمد، مردی که آئین اسلام به او وحی شد در سال ۵۷۰ میلادی در مکه به دنیا آمد او که یتیم متولد شد، همواره یار و غمخوار فقرا و درمندانگان و مظلومان بود... در سن ۲۰ سالگی بازرگان موقی شد و بزودی کاروانسالار بیوه زنی ۳۵ ساله و ثروتمندی گردید و چون به سن ۲۵ سالگی رسید کارفرمای او که لیاقت و ارزش او را دریافته بود، به او پیشنهاد ازدواج کرد. حضرت محمد (ص) این

حضرت محمد همواره مرد کار و عمل بود و به حقیقت و واقعیت هر مسئله توجه داشت. وقتی ابراهیم فرزند دلبندهش فوت کرد خورشید گرفت و همه جا شایع شد که خداوند با این مرگ جانگداز همدردی نموده است که منجر به کسوف گشته، اما حضرت محمد (ص) بلافاصله به میان مردم آمد و گفت «گرفتن خورشید يك پدیده طبیعی است و احمقانه است که چنین پدیده‌هایی را به زنده شدن یا مردن انسانها مربوط کنید» ۱.

هنگام وفات خود او کوششی بعمل آمد که او را به مقام خدائی و فنا ناپذیری برسانند اما یکی از پیروان او با یکی از شرافتمندانه‌ترین سخنان در تاریخ مذهب، این اندیشه را بکلی از ذهن‌ها بیرون کرد، او در میان مردم آمد و گفت: «ای مردم! اگر در میان شما کسانی هستند که محمدا را می‌پرستند پس بدانند که او مرده است، اما اگر خدا را می‌پرستید البته خداوند زنده ابدی است» حضرت محمد (ص) را در يك قبر معمولی که همواره معلوم و مشخص بوده است دفن نمودند. او همواره اصرار می‌ورزید که به مردم بهمانند که او يك بشر معمولی است که خداوند بار دیگر توسط او پیام‌هایی برای جهانیان فرستاده است.

برای این که بهتر بدانید چرا يك مسلمان ناراحت می‌شود از این که او را محمدی بگویند، یکی از دانشمندان اسلامی می‌گوید: «يك مسیحی کسی است که معتقد است مسیح جزئی از خدا بود و این اساس دین اوست، به همین صورت يك نفر محمدی کسی است که فکر کند محمد جزئی از خدا بود و این پایه دین او باشد. اما به نظر مسلمانان حضرت

را قابل پرستش می‌داند او زنده از بردگی و اسارتی که عادات صحرائشینی برای او ایجاد کرده بود رهایی بخشیده، ترقی داد، تا به عدالت اجتماعی رسانید. در میان مردم دائم الخمر، مشروبات الکلی را حرام کرد، به طوری که امروزه هم مسلمانان خوب و واقعی لب به آن نمی‌زنند. و هر سال یکماه معین را به گرفتن روزه اختصاص داد، پیش از حضرت محمد (ص)، مردان، تشویق می‌شدند که هر چه بیشتر زن بگیرند، حضرت محمد این زن گرفتن‌های نامحدود را به چهار همسر عقدی محدود نمود و قرآن اخطار نموده است که چنانچه کسی قادر نیست عدالت را بین همسران خود رعایت کند موظف است با يك زن بسازد و قانع گردد.

### اشتباه غربی‌ها!

متأسفانه وعده‌های حضرت محمد (ص) درباره بهشت در مغرب زمین بسد فهمیده شده است او در سرزمینی خشک و سوزان با طوفانهای شنی، پیش‌گویی کرد که مردان اهرمن صفت در دنیای دیگر به آتش-سوزان دوزخ دچار خواهند شد و مردان صالح و نیکوکار به بهشت خواهند رسید که نسیم خنک و نهرهای جاری و حوریان زیبا در آن خواهند بود. غربی‌های نامانوس با این کلمه اخیر (حوری)، متأسفانه آن را به یکی از زنده‌ترین و زشت‌ترین لغات انگلیسی ترجمه کردند و چنان نتیجه گرفتند که بهشت موعود حضرت محمد (ص) جایگاهی برای هرزه-درآبهای سکسی است! اما غریبان در این ترجمه اشتباه کردند. حور به معنی زنی غیر سرشت، فوق-الماده زیبا، سیاه چشم و باکره (و پاکدامن) میباشد.

چنین رسالتی بود که زندگی و ملیت انسان‌ها را دگرگون ساخت .

آیات قرآن، نظام جامعه، مقررات آن و روشها و مسائلش را مورد توجه دقیق قرار داده است و اسامی مقدس زیادی از یهود و مسیحیت در قرآن مجید آمده است . مثلاً پنج سوره مهم آن بنام‌های: نوح، یونس، یوسف، ابراهیم و مریم نامیده شده است، گذشته از این قسمتهای برجسته زندگی افرادی مانند: حضرت عیسی، آدم، موسی، داود، یعقوب، لوط و سلیمان بخشی از آیات قرآن را تشکیل می‌دهد. کلمه «اسلام» تا حدودی در کلمات پیغمبران قبل از حضرت محمد (ص) بخصوص حضرت مسیح، نوح، ابراهیم و موسی، سابقه داشته است قرآن تأیید نمی‌کند که عیسی پسر خدا باشد، و با این که او را بر صلیب کشته باشند . مسلمانان معتقدند که پسر خدا دانستن مسیح، با یکتائی خداوند منافات دارد» در حالی که توحید پایه اساسی اسلام است. قرآن به هنگام توصیف زندگی سالم و خوب مطابق فهم مردم سخن می‌گوید مثلاً می‌گوید: «به هنگام معاملات آنرا روی کاغذ بیاورید، دو شاهد بگیرید تا اگر یکی از آن دو فراموش کرد دیگری بخاطرش آورد. این کار، در در نظر خدا به انصاف و عدالت نزدیک تر است و روشن ترین راه برای جلوگیری از ایجاد تردید بین خود شماست» (۱)

این تعالیم عملی و ساده به اضافه این که قرآن همه چیز را به خدا اختصاص داده ، این کتاب را بی نظیر و بی مانند نموده است! (بقیه دارد)

محمد (ص) يك بشر بود، ازدواج کرده، بچه آورد، برای امرای معاش خود کار کرد و زحمت کشید، و سرانجام در گوری مانند دیگران دفن شد . ولذا هیچکس حضرت محمد را نمی‌پرستد بلکه آن خدای یکتاست که ما مسلمانان پرستش می‌کنیم بنابراین ما را مسلمان بخوانید نه محمدی «زیرا ما تسلیم فرمان الهی شده ایم»

### جاذبه قرآن

به احتمال قوی قرآن پر خواننده ترین کتاب جهان است و نیز موثر ترین عامل در زندگی روزانه کسانی است که بدان معتقدند این کتاب کوچکتر از کتاب عهد جدید می‌باشد اما با سبکی عالیتر که نه شعر است و نه نثر، و شنونده را با کشفهای معنوی خاصی جذب می‌کند اوزان قرآن با انعکاس اصوات طبیعی و با آهنگ‌های جامعه‌های ابتدائی هماهنگ است این کتاب بزبان عربی است و بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند تا عربی را بیاموزند ، صرفاً برای آن که بتوانند قرآن بخوانند و عبادت‌هایشان را بزبان اصلی وحی، قرائت نمایند . قرآن در بین سالهای ۱۰ تا ۳۴ میلادی در مکه زمزمینه بر محمد (ص) نازل شد و کاتبان مخصوص وحی آنرا در روی پاره‌های کاغذ، پوست درخت و استخوان کتف جانوران، می‌نوشتند این آیات نازل شده اطمینان خیره کننده‌ای به وجود می‌آورد که فقط يك خدای بخشنده و مهربان وجود دارد نام او «الله» است و این «الله» خالق، سازنده، و مبدع بوده، و هر چه در زمین و آسمان است نشانه‌ای از قدرت و سلطنت لایزال او است و او دانا و تواناست.